

فکر و اندیشه

همگام با امام

مروری کوتاه بر خاطرات مستند استاد سیدهادی خسروشاهی رحمته الله علیه
از دوران نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی
هفته‌نامه افق حوزه | خرداد ماه ۱۴۰۱ | ذی القعدة ۱۴۴۳

بخشی از ویژه‌نامه «رفیق دیرین»
همراه با اضافات



همگام با امام در مبارزات و همراه با نظام جمهوری اسلامی

عالم مجاهد سیدهادی خسروشاهی که بیش از شصت سال از عمر بابرکت خود را مستمراً مصروف فرهنگ اسلامی و سیاست و اجتماع کرد، او فقط در قم چهره‌ای شناخته شده نبود؛ بلکه از همان بدو هجرت از تبریز به قم تا پایان عمر خویش، از رهگذر ارتباط با اشخاص، نشریات و نهادهای دینی و فرهنگی ایران و جهان اسلام و دیگر نهادها و شخصیت‌های بین‌المللی، به چهره بین‌المللی شناخته شده‌ای، تبدیل شده بود. بلکه از همان اوان هجرت از تبریز به قم در سال ۱۳۳۲ تا پایان عمر خود، با اشخاص، نشریات و نهادهای دینی و فرهنگی ایران، جهان اسلام و حتی فراتر از آن، با جوامع مذهبی مسیحی، مرتبط و دغدغه‌مند بوده است.

چهره این شخصیت برجسته حوزوی به‌همان اندازه که اسلامی، شیعی و ایرانی است و رنگ و عطر سنتی بودن را به حکم برآمدن و بالیدن در خانواده و خاندان ریشه‌دار مذهبی و علمی دارد، در همان حال و شاید به حکم «تبریزی» بودن. که تبریز در عصر جدید مهم‌ترین دروازه ورود و خروج ایرانیان به دنیای متمدن و متجدد و به اصطلاح فرنگ است. دغدغه تجدد و روزآمد بودن را دارد. او چهره‌ای حوزوی و برخوردار از تحصیلات متعارف حوزوی است؛ مقدمات را در تبریز فراگرفت و فقه و اصول و فلسفه و تفسیر را - هم در مرحله سطح و هم در مرحله خارج و اجتهادی. در قم و در دهه سی و چهل شمسی، از محضر اساتید برجسته‌ای آموخت. او از محضر امام خمینی رحمته‌الله علیه، آیت‌الله العظمی اراکی، علامه طباطبایی و... رحمته‌الله علیه این دروس و علوم اسلامی را آموخت و شاید چون از همان سال‌های اول ورود به حوزه علمیه قم، به دنبال ایفای نقش فرهنگی در نشریات متعددی بوده، رفته‌رفته به یک چهره فرهنگی که با نشریات و کتاب‌ها اعم از ترجمه و تألیف حشر و نشر دارد، شناخته می‌شد.

یکی از صفحات پربرگ و بار فرهنگ‌بان پرتلاش و الهی‌دان سیاست‌پیشه سیدهادی، همسایگی، همراهی و انس و علاقه زیاد او با امام خمینی رحمته‌الله علیه بوده است. در این مقاله کوتاه گوشه‌ای از آن همراهی‌ها و صفحه‌ای از اعتماد حضرت امام رحمته‌الله علیه به ایشان با استفاده از کتاب «خاطرات مستند استاد سیدهادی خسروشاهی درباره امام خمینی رحمته‌الله علیه، چاپ عروج روایت می‌گردد.

✦ سفیر امام در تبریز

به موازات اقدامات اسلام‌ستیزانه رژیم شاه و بروز دست‌نشاندهی حکومت پهلوی به آمریکا در امواج سه‌گانه؛ ۱. مقابله با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ۲. مقابله با لوایح شش‌گانه شاه، ۳. فریاد علیه سلطه آمریکا در تصویب کاپیتولاسیون، امام خمینی علیه السلام با همراهی مراجع و علمای بزرگ حوزه علمیه قم و همراه کردن علمای بلاد، در برابر این امواج ملک و ملت و دین و دولت برباد ده، به مقابله فعالانه پرداختند؛ به‌ویژه هوشمندی امام خمینی علیه السلام در جمع‌آوری توان ملت و نخبگان، به‌خصوص علمای بلاد، جایگاه خاص خود را داشته است. سیدهای خسروشاهی درباره موج اول نهضت می‌گوید: «به‌خاطر دارم که در آغاز جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مراجع قم، مشهد و تهران به‌وسیله تلگراف به مقامات رژیم شاه اخطار کردند که این مسائل با اسلام سازگار نیست و دولت باید در جریان انجمن‌ها عقب‌نشینی کند و اینکه خواست روحانیت و مردم، رعایت اصول اسلامی از سوی دولت است. آن زمان، در بعضی از مناطق کشور، از جمله آذربایجان چنین حرکت‌هایی پیش‌نیامده بود. شاید به‌همین دلیل امام توسط آقای [شیخ حسن] صانعی که در منزل ایشان مسئول رسیدگی به چنین اموری بود، مرا احضار کردند. وقتی خدمتشان رسیدم، امام فرمودند: شما به تبریز بروید و با آقایان علما: آیت‌الله سیداحمد خسروشاهی، برادرم، آیت‌الله میرزا عبدالله مجتهدی، آیت‌الله سید محمدعلی قاضی و سایر علمای تبریز تماس بگیرید و از آنها بخواهید که در مخالفت با برنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی حرکتی نکنند؛ یعنی امام درحالی‌که خودشان مشغول مبارزه بودند، به فکر مناطقی هم بودند که حرکتی برای مبارزه نمی‌کردند... من همراه با متن تلگراف‌های مراجع عظام و علمای بلاد دیگر به مقامات رژیم، به تبریز رفتم. آنجا بعد از مذاکره با علمای تبریز و ابلاغ پیام حضرت امام به آنها - که همگی سوابق آشنایی نزدیکی با امام داشتند - تلگراف‌هایی توسط آقایان علما تهیه و همگی به تهران مخابره شد. بعد هم، همراه بعضی از برادران از جمله جناب آقای محمدحسن بکایی که از وعظ معروف تبریز بود، به شهرهای مرند، خوی، ارومیه و چند شهر دیگر آذربایجان رفتیم و از علمای این شهرها تلگراف و امضا گرفتیم و به تهران مخابره کردیم. بعد هم با خوشحالی از موفقیتی که در این زمینه به‌دست آمده بود، از تبریز به قم برگشتیم و گزارش کامل مأموریت‌م را خدمت امام و مراجع دیگر ارائه کردم. (درباره امام خمینی علیه السلام، صفحه ۷-۵).

✦ مشاهده وارستگی امام

معروف است که پس از وفات مرجع بزرگ عصر آیت‌الله العظمی بروجردی علیه السلام حضرت امام علیه السلام درحالی‌که قریب به ۲۰ سال می‌شد که استاد دروس اجتهادی در مقطع خارج فقه و اصول بوده و به‌ویژه در دهه سی، خارج اصول ایشان، درس اول حوزه علمیه قم بوده و صدها تن از فضلاء حوزه شاگرد آن درس‌ها بوده‌اند؛ اما خود برای تصدی مرجعیت اقدامی نکرده و حتی رساله عملیه خود را - به‌زعم اینکه بر متون فتوایی مانند وسیلة النجاة و عروة الوثقی حاشیه و تعلیقه نوشته بودند - چاپ نکردند. خسروشاهی جوان و همسایه آن سال‌های حضرت امام می‌گوید:

«بعد از فوت آیت‌الله العظمی بروجردی علیه السلام یک روز من خدمت ایشان عرض کردم: حاج‌آقا حضرت عالی چرا رساله‌تان را چاپ نمی‌کنید؟ یک عده واقعاً به رساله شما احتیاج دارند. فرمودند: خب آنهایی که بر رساله من احتیاج دارند، خودشان ببرند چاپش کنند. من از سهم امام رساله چاپ نمی‌کنم! این سخن، حقیقتاً از عمق بینش ایشان و از معنویت و تقوای ایشان خبر می‌دهد. ما فکر می‌کردیم که چاپ رساله ایشان در حقیقت به اهداف اسلامی و ترویج دین کمک می‌کند؛ ولی برداشت ایشان این بود که سهم امام برای چاپ رساله نیست؛ بلکه برای تربیت طلاب و ترویج اسلام است. به‌اعتقاد ایشان، رساله مورد نیاز مقلدین بود و مقلدین قدرت خرید یک رساله را داشتند و حتی می‌توانستند، خودشان رساله را چاپ کنند». (همان، صفحه ۲۰)

✦ تحول در حوزه

در نگاه استاد خسروشاهی که تقریباً یک دهه پیش از نهضت امام خمینی علیه السلام در حوزه علمیه قم، به تحصیل و کارهای علمی و فرهنگی اشتغال داشت و نه تنها خود، از خاندان علم و فقاہت بوده که با بزرگان حوزه و بیوت مراجع کاملاً آشنا بود و اهل داوری‌های یک سویه نیز نبود؛ با این وصف او معتقد است که یکی از تأثیرات نهضت امام علیه السلام، به صحنه اجتماع آوردن روحانیون و فضلاء حوزه علمیه قم بوده است:

«آغاز حرکت امام در نهضت پانزدهم خرداد، باعث شد تا همه طلاب یا اکثریت آنها، به میدان بیایند؛ به عرصه مجلات، روزنامه‌ها و کتاب‌ها یا بگذارند و آشکارا در سیاست و مسائل اجتماعی دخالت کنند. اینها همگی از برکات قیام پانزدهم خرداد بود و من معتقدم که هیچ‌کس به‌غیر از امام خمینی علیه السلام قادر نبود،

این سد را بشکنند و این فضای نادرست را اصلاح کند و این مانع ارتجاعی را از سر راه بردارد.» (همان، صفحه ۲۲)

✦ محوریت امام خمینی علیه السلام در مبارزات

پرواضح است که در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری موسوم به نهضت امام خمینی علیه السلام، افراد، تشکل‌ها و اصناف مختلفی حضور داشتند و همگی به سهم خود مؤثر بوده‌اند. در حوزه علمیه نیز، مراجع، علما و فضلاء فراوانی در سطوح مختلف شریک مبارزات اسلام‌خواهانه و آزادی‌طلبانه بوده‌اند؛ اما نقش امام خمینی علیه السلام، نقشی ویژه و ممتاز بوده است؛ البته در نظر دقیق و ریزبینانه در موج اول مبارزه؛ یعنی نهضت علیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اقدامات، جمعی و گروهی بوده و لذا به نام نهضت روحانیون نامیده شده است؛ اما با به صحنه آمدن شخص اول مملکت - شاه - که همه‌کاره کشور هم همو بوده است و به همه‌پرسی گذاشتن لوایح شش‌گانه، گرچه عموم مراجع و حوزویان مخالف آن بوده‌اند؛ اما این روشن بینی و شجاعت مثال‌زدنی امام خمینی علیه السلام بوده است که این بار دیگر نخست‌وزیر را مورد خطاب و آماج حملات خود قرار نداد؛ بلکه قدرت اصلی و همه‌کاره این تهاجمات را مورد خطاب و عتاب خود قرار داد و البته هزینه آن را با حبس و حصر پرداخت کرد؛ اما در موج سوم مبارزات که مسئله کاپیتولاسیون و سلطه آمریکا و آمریکائیان و به تاراج دادن عزت ایران و ایرانی مطرح شد، دیگر امام خمینی علیه السلام فریداً و وحیداً به صحنه آمد و به آمریکا شدیداً حمله کرد که تبعید سریع ایشان را به دنبال داشت. اگر مراجع معظم و علمای بلاد در قضیه حبس و حصر، برای استخلاص حضرت امام علیه السلام تلاش‌های ارزشمند و قابل تقدیر انجام دادند؛ اما در این مرحله عملاً به همراهی قلبی و باطنی بسنده کردند. در چنین چشم‌انداز و دورنمایی، این دیدگاه شاگرد و همجوار رهبر مبارزات قابل توجه است:

«مسئله اعلامیه‌هایی که از سوی علما صادر می‌شد، مسئله واقعاً پراهمیتی بود. از این جهت که کدام‌یک از علما در صدور اعلامیه‌های مخالف با رژیم شرکت کردند و کدام‌یک نکردند؛ اما با این همه و با تمام اهمیتی که این اعلامیه‌ها داشتند، اعلامیه صادر کردن مسئله‌ای فرعی و مسئله دوم مبارزه محسوب می‌شد؛ یعنی اعلامیه صادر کردن، در مقابل عملکرد کسی که به هدفی بزرگ فکر می‌کند، تفاوت داشت. خیلی از علما اعلامیه‌های مخالف صادر می‌کردند؛ اما آن کسی که همیشه به ادامه مبارزه و

■ استاد سیدهادی خسروشاهی
بر اساس مشاهدات شخصی که خود در جریان
حوادث و سیر مبارزات ۱۵ ساله پیش از پیروزی
انقلاب اسلامی بوده، بر این باور است که
چنین نبوده که سخن، نظر و رهنمود حضرت امام علیه السلام
که یکی از مراجع تقلید بزرگ عصر خود بوده،
تنها برای مقلدین ایشان متبع بوده؛
بلکه مقلدین دیگر فقها و مراجع نیز
از آنها تبعیت می‌کردند و رهبری مبارزات ستم‌ستیزانه،
استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه ملت مسلمان ایران
در دست‌ان باکفایت امام خمینی علیه السلام بوده است.

حرکت مردم امر می‌کرد، امام خمینی علیه السلام بود. در واقع قوه محرکه حرکت مردم در مبارزات پانزدهم خرداد و همچنین در مبارزات بعدی، همواره شخص امام بودند. ایشان بودند که علما را جمع کردند تا مخالفت روحانیون با حرکت‌های رژیم از جمله مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، رفراندوم و... شکل بگیرد. قدم اول و آغاز کار، حرکت و مخالفت بود. آن روزها من با خانه‌های همه مراجع در تماس بودم. مثل اغلب طلاب که تماسشان با علما قطع نمی‌شد. بین مراجع هم فرق نمی‌گذاشتم و همه آنها برایم محترم بودند و با اغلب علمای مشهد، قم، تهران و نجف مکاتبه و ارتباط داشتم و هرگز در مخالفت با آنها، کلمه‌ای بر زبان نمی‌آوردم که البته این ویژگی را هم ما از فرمایشات حضرت امام علیه السلام کسب کرده بودیم... نخست امام اعلامیه می‌دادند و سپس عده‌ای دیگر از مراجع. اگر تاریخ اعلامیه‌ها را نگاه کنیم، کاملاً آشکار است که اعلامیه‌های نخستین را امام صادر فرموده‌اند. چه بسا اگر اعلامیه اول را امام صادر نمی‌کردند، بعضی از مراجع دیگر هم، نیازی به صدور اعلامیه نمی‌دیدند!» (همان، ص ۲۹-۲۸)

✦ خیرخواهی و مصلحت‌جوئی

ویژگی برجسته‌ای که در سیره سیاسی و مدیریتی امام خمینی علیه السلام خود را نشان می‌دهد، خیرخواهی برای همگان و انجام کار درست و اقدام لازم بوده است. ایشان نه تنها اهل ریاست‌طلبی و پیش‌افتادن نبود که به شدت از آن فراری و گریزان بود و به‌ویژه تمام تلاش خود را برای اتحاد صفوف روحانیت و دوری از هرگونه اختلاف و ناهماهنگی را انجام می‌داد. مرحوم خسروشاهی در این رابطه روایتی بی‌واسطه دارد:



■ آیت‌الله دروازه‌ای، امام خمینی، آیت‌الله سید احمد خسروشاهی، بیوک اهری، عیسی اهری و استاد سیدهادی خسروشاهی منزل استاد در قم

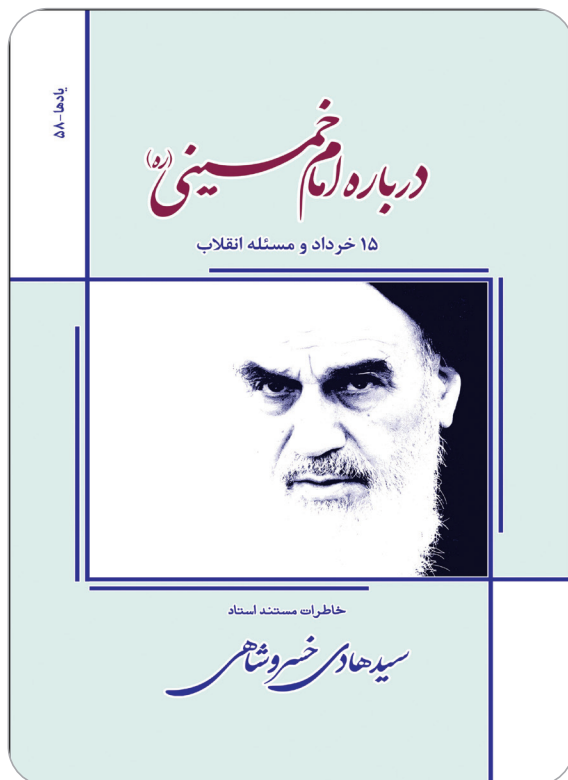
را باید در کیفیت تشخیص مصلحت در ضرورت و عدم ضرورت مبارزه جستجو کرد. وقتی حضرت امام علیه السلام اقدامی می‌کردند، آنها هم احساس می‌کردند که باید اقدامی بکنند؛ چراکه ضرورت وجود دارد.» (همان ص ۳۰-۲۹)

نکته قابل توجه اینکه رهبری بلامنازع امام خمینی علیه السلام در نکات و خاطرات متعددی از استاد خسروشاهی بیان شده است و این معنا، صرفاً برداشت از کلام او نیست؛ بلکه صراحت سخن وی می‌باشد.

👉 نفوذ کلام فرائیر

مرحوم سیدهادی خسروشاهی بر اساس مشاهدات شخصی که خود در جریان حوادث و سیر مبارزات ۱۵ ساله پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بوده، بر این باور است که چنین نبوده که سخن، نظر و رهنمود حضرت امام علیه السلام که یکی از مراجع تقلید بزرگ عصر خود بوده، تنها برای مقلدین ایشان متبع بوده؛ بلکه مقلدین دیگر فقها و مراجع نیز، از آنها تبعیت می‌کردند و رهبری مبارزات ستم‌ستیزانه، استقلال طلبانه و

«به‌خاطر دارم که در اولین سالگرد پانزده خرداد، ایشان به‌همراه سه نفر دیگر از مراجع: آیت‌الله العظمی نجفی، آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله العظمی حاج آقا حسن قمی، یک اعلامیه چهارنفره صادر کردند. امام مرا خواستند و گفتند: بروم و به آیت‌الله آقای شریعتمداری بگویم که ایشان هم اعلامیه‌ها را امضا کند و اگر امضا نکردند، از ایشان بخواهم که دست‌کم خودشان اعلامیه مستقلی در این زمینه صادر کنند. استدلال امام این بود که اگر ایشان اعلامیه صادر نکنند، به‌ضرر ایشان تمام می‌شود و میان مردم متهم می‌شوند و این به‌صلاح کل روحانیت نیست. من پیام امام را به آیت‌الله شریعتمداری رساندم... پاسخ آقای شریعتمداری این بود: اگر من ندانم که اعلامیه بدهم، چه کار باید کرد؟! البته آقای شریعتمداری هم بعداً اعلامیه صادر کردند. اما علت اینکه اغلب علما از قم، نجف و شهرهای مختلف در صدور اعلامیه شرکت می‌کردند را باید در حضور دائمی امام در صحنه مبارزه جستجو کرد؛ یعنی به حرکت درآورنده اصلی حضرت امام بودند؛ البته نه اینکه انگیزه‌های موجود در سایر علما انگیزه‌های مذهبی و دینی نبوده باشد؛ بلکه تفاوت آنها با امام



آزادی خواهانه ملت مسلمان ایران، در دستان باکفایت امام خمینی علیه السلام بوده است:

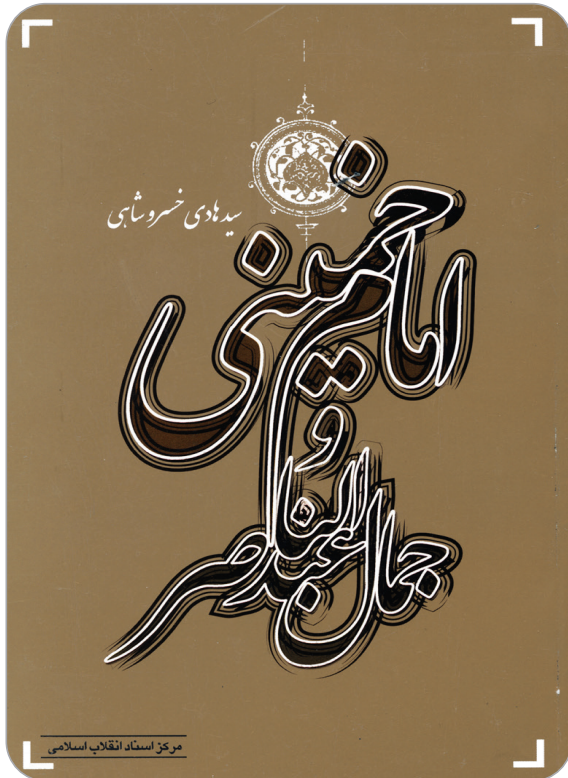
«علی رغم حضور تعدادی از مراجع و علی رغم وجود تعداد زیادی اعلامیه در اوایل قیام، یا حتی پس از آن، وقایع پیش آمده نشان می دهد که محرک قیام و به وجود آورنده اصلی انقلاب تا مراحل نهایی حضرت امام علیه السلام بودند... عامل مهم دیگری هم در کار بود و آن هم، اطاعت مردم از امام بود؛ حتی اگر مقلد امام هم نبودند. در این مورد نمونه های فراوان وجود دارد که یکی از این نمونه ها مردم آذربایجان هستند. مردم آذربایجان در اوائل با اینکه اغلب مقلد امام نبودند، همگی در اعتصابات و تظاهرات و درگیری ها شرکت می کردند و دیگر حتی منتظر نظر مرجع خودشان هم نمی ماندند؛ تقلید از یک مرجع؛ اما در امر مبارزه اطاعت از دستور امام؛ این یک امر کاملاً طبیعی شده بود... حتی در مواردی سعی می شد تا به کمک بعضی از آقایان، از مبارزه مردم جلوگیری شود؛ اما مردم اطاعت نمی کردند... خلاصه کلام این است که امام از آغاز مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، نقش اساسی و اصلی را در اداره امور بر عهده داشتند.» (همان، ص ۳۱-۳۰)

شاید در توضیح این واقعیتی که اسناد و تاریخ پژوه معاصر زنده یاد خسروشاهی گزارش کرده، بشود گفت که راز این عمل



مؤمنین و متدینینی که چنین عمل می کردند، این بود که مسئله «تقلید» و اقدامات اجتماعی دو حوزه جدا از یکدیگر می باشند؛ به این معنا که تقلید در احکام شرعی و وظایف عملی، باید از فقیه واجد شرایط باشد و فقیه متقی عالم یا اعلم شایستگی مقلد شدن را دارد و مقلدان، در وظایف عملی به کارشناس احکام مراجعه و طبق نظر او عمل خود را انجام می دهند و این فرآیند و رابطه میان مفتی و مستفتی «تقلید» را شکل می دهد؛ اما در حوادث و تحولات اجتماعی که ساحت «موضوعات» است، جدای از ساحت «احکام» می باشد و مرجعیت اجتماعی - سیاسی مؤثر است و جریان دارد. آنچه تحلیل شد را می شود، از طریق رفتار و عمل متدینان به ارتکاز ذهنی آنها بازگرداند که آنها به درستی ساحت حکم را از ساحت موضوع تفکیک کردند و بدین خاطر در هر ساحتی به مرجع آن بخش مراجعه می کردند.

پرداختن به فعالیت ها و مبارزات سیدهادی خسروشاهی و زندانی شدن و تبعید رفتن او در آن سال ها و فعالیت های سیاسی - فرهنگی پیدا و پنهان او به همراه همزمان و دوستان آن سال ها، مجال خود را می طلبد؛ ولی مسئولیت ها و خدمات خسروشاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بخش های فرهنگی و سیاسی به گونه ای بوده که در ارتباط نزدیکی با امام



ایشان بهره می‌گرفت (ر.ک به همان، ص ۲۸۲) در همین جایگاه و مسئولیت بود که در سال ۱۳۵۹ برای توسعه دادن به دامنه نشر کتاب و نشریات اسلامی به زبان‌های مختلف، از حضرت امام استجازه کرد تا مبلغ یک میلیون تومان از وجوه شرعیه را از مؤمنی اخذ و صرف کند که حضرت امام علیه السلام مرقوم داشتند: «مجازند بپردازند. ان شاء الله موفق باشند.» (همان، صفحه ۲۰۱)

در ارتباط با نشریات و ابزار رسانه، این مطلب از ارتباط سیدهدای با امام خمینی علیه السلام نیز، شنیدنی است: «اوائل نهضت در قم به خدمت ایشان رفتم و گفتم: حدود ۲۰۰ تومان بابت یکی از کتاب‌هایم از ناشری دریافت کرده‌ام، اجازه می‌فرمایید که برای شنیدن اخبار و اطلاع از اوضاع، رادیویی بخرم؟ و بعد تأکید کردم که این پول درآمد شخصی است و از وجوهات شرعیه نیست.

امام لبخندی زده و فرمودند: «برای جناب عالی اگر از وجوهات شرعی هم رادیو بخرید، اشکالی ندارد.» (همان، ص ۲۰۰)

✎ سفیر در واتیکان

سیدهدای خسروشاهی که از خاندان فقاقت و علم دین برخاسته و در حوزه علمیه قم، از درس‌های اساتید بزرگی بهره

خمینی علیه السلام و مورد اعتماد ایشان بوده است؛ چراکه او همان‌گونه که خود گفته: «من از روز نخست با نهضت امام بودم و بر حسب توان و امکانات خود، در این مسیر بدون تظاهر و خود نشان دادن، گام بر می‌داشتم؛ در جریانات بعدی و حوادث پانزدهم خرداد و دستگیری امام و سپس تبعید ایشان به ترکیه، همراه عده‌ای از علمای قم، در تهیه، تنظیم، نشر و توزیع نشریه مخفی «بعثت به عنوان ارگان دانشجویان حوزه علمیه قم، فعال بودم.» (همان صفحه ۲۷۹)

اولین مسئولیت و سمتی که سیدهدای خسروشاهی در نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۳ بر عهده گرفت، «افتخار نمایندگی حضرت امام علیه السلام در وزارت ارشاد» بوده است:

«جناب حجت‌الاسلام آقای سیدهدای خسروشاهی دامت افاضاته! با توجه به سوابقی که جناب عالی در امر تبلیغات و مطبوعات دارید، به نمایندگی از طرف اینجانب در وزارت ارشاد ملی در قسمت مطبوعات و تبلیغات داخلی و خارجی و دایره روابط بین‌المللی اسلامی به وظیفه اسلامی و ملی خویش، به بهترین وجه عمل نمایید.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۶۹)

او در این مسئولیت، گزارش امور را اغلب به صورت شفاهی و حضوری، در قم خدمت امام ارائه می‌کرد و از رهنمودهای



بود و من پس از کسب اجازه از معاونت مالی وزارت امور خارجه، از موجودی نمایندگی، معادل یک میلیون تومان را در این زمینه هزینه کردم و بعدها در سفری به ایران، این مبلغ را از چند بازاری محترم بابت وجوهات شرعیه اخذ و به معاونت مالی وزارت امور خارجه پرداختم. شاید یک سال و نیم یا دو سال پس از آنکه دوران مأموریت من تمام شد و به ایران بازگشتم، یکی دو نفر از آن مؤمنان که تقریباً نصف مبلغ را پرداخته بودند «قبض قبولی» حضرت امام علیه السلام را خواستند! تا در پرونده محاسبات دینی خود نگه دارند.

روزی من به دفتر امام در جماران رفتم و موضوع را به حجت‌الاسلام والمسلمین حضرت آقای رسولی محلاتی گفتم و چکی هم با خود برده بودم که اگر حضرت امام قبول نفرمودند، آن را بابت بدهی خودم تقدیم دارم و احتمال می‌دادم که حضرت امام قبول نکنند؛ چون تقریباً دو سال پیش من وجهی را گرفته و در خارج هزینه کرده بودم و اکنون قبض می‌خواستم. جناب آقای رسولی ۴ قبض قبولی به نام اشخاص مورد نظر نوشته و همراه کارهای دیگر روز، به اندرونی رفتند؛ ولی چند دقیقه طول نکشید که برگشته و با لبخندی گفتند: حضرت امام قبض‌ها را نپذیرفتند. من بلافاصله چک را نوشتم و روی میز گذاشتم و ضمن تشکر و خداحافظی، عازم شدم که بروم؛ ولی جناب آقای رسولی با خنده گفتند: حالا چه عجله دارید!

برده بود، شخصیتی علمی و فرهنگی و در همان حال سیاسی بود که از دغدغه‌های وسیع بین‌مذهبی و بین‌الادیانی برخوردار بود؛ به همین تناسب و تجانس پس از آنکه با حکم حضرت امام علیه السلام و به‌عنوان نماینده ایشان حدود دو سال در بخش نشریات و مطبوعات وزارت ارشاد خدمت کرد؛ به‌عنوان سفیر به واتیکان در کشور ایتالیا اعزام گردید و به مدت ۵ سال در ایتالیا بود و خدمات ارزشمند و کارنامه‌پرباری نه تنها در محدوده محل مأموریت که در بخش عمده‌ای از اروپا داشته است. او در این مأموریت موفق شد، مرکز فرهنگی اسلامی اروپا را در رم تأسیس کند و ماهنامه‌ای به زبان‌های ایتالیایی و انگلیسی و نیز مجله هفتگی العالم را با هزینه وزارت ارشاد راه‌اندازی نماید. چاپ ترجمه قرآن و نهج‌البلاغه به زبان ایتالیایی و انتشار ماهنامه‌ای دیگر به نام «جهان نو» در مدت ۵ سال، خدمت دیگر ایشان در سفارت واتیکان بوده است. او در آن مدت، بیش از یکصد و شصت کتاب و نشریه را به زبان‌های فارسی، عربی، ایتالیایی، انگلیسی و فرانسه چاپ و در سطح گسترده‌ای توزیع کرد. (ر.ک به: خاندان علم و تقوی، ص ۲۵۲-۲۵۱)

استاد خسروشاهی در این باره چنین گفته است: «این نشریات در سطح جهان و به‌ویژه از طریق نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران، توزیع می‌گردید. بودجه این مرکز را عمدتاً وزارت امور خارجه تأمین می‌کرد؛ ولی سقف آن محدود



بیش از آن است که در این مجال کوتاه و صفحات محدود قابل انعکاس باشد؛ اما فقدان بی جبران در رحلت غریبانه ایشان، وظیفه را برای دوستان و علاقه‌مندان او و معتقدان به همان اهداف و ارزش‌هایی که آن سلف صالح، عمری را برای آن مجاهده و سعی وافر کردند، ایجاد کرد تا اندکی از کارنامه پربار و صفحاتی از کتاب پربرگ «خسرو فرهنگ اسلامی زمان خود» استاد فقید و فرهنگ‌بان ستیغ سیدهادی خسروشاهی را برای هم‌عصران و آیندگان بر صفحات تاریخ ثبت کنند. نام و یاد این تاریخ‌پژوه فرهنگی و عالم مجاهد عرصه فکر و اندیشه و فرهنگ و سیاست، در تاریخ ثبت گردد تا به مثابه الگویی درس‌آموز و سرمشقی از تلاش و مجاهدت برای اصحاب فکر و فرهنگ و عالمان دین بوده باشد.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام
حجت‌الاسلام محمدکاظم تقوی

یک چای دیگر بخورید! چک را هم بردارید؛ چون حضرت امام قبض قبولی را نپذیرفتند و فرمودند که قبض وصولی خدمتشان ببرم تا مهر بزنند. البته فرق میان این دو قبض [برای] اهل خرد روشن است و من این اعتماد حضرت امام را بر خود افتخاری دانستم.» (درباره امام خمینی علیه السلام، ص ۲۰۴ تا ۲۰۶)

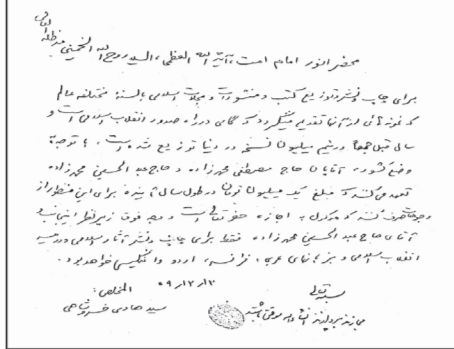
مراودات و روابط این شاگرد و همراه امام خمینی علیه السلام در فعالیت‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی با استاد و رهبر خود،

برخی از نامه های استاد خسروشاهی به امام خمینی و پاسخ معظم له

محضر انور امام امت، آیت الله العظمی السید روح الله الخمينی مد ظله العالی.
 برای چاپ و نشر و توزیع کتب و منشورات و مجلات اسلامی به السنه مختلفه عالم که
 نمونه هایی از آنها تقدیم می گردد که گامی در راه صدور انقلاب اسلامی است و سال قبل،
 جمعاً در نیم میلیون نسخه در دنیا توزیع شده است، با توجه به وضع کشور، آقایان حاج
 مصطفی محمدزاده و حاج عبدالحسین محمدزاده تعهد می کنند که مبلغ یک میلیون تومان، در
 طول سال آینده برای این منظور از وجوهات صرف کنند که موکول به اجازه حضرت عالی
 است و وجه فوق زیر نظر اینجانب و آقای حاج عبدالحسین محمدزاده، فقط برای چاپ و نشر
 آثار اسلامی و در مسیر انقلاب اسلامی و به زبان های عربی، فرانسه، اردو و انگلیسی خواهد
 بود.
 ۵۹/۱۲/۱۲
 المخلص: سید هادی خسروشاهی

بسمه تعالی

مجازند بپردازند، ان شاء الله موفق باشند. (روح الله الموسوی) / مهر.

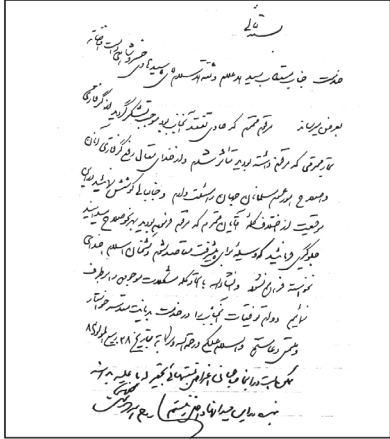


اجزای از امام برای هزینه کردن وجه شرعی در نشر آثار اسلامی به تاریخ
 ۱۳۵۹/۱۲/۱۲ تهران

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سید الاعلام وثقه الاسلام آقای آقا سید هادی خسروشاهی دامت

افاضاته



به عرض می رساند مرقوم
 محترم که حاوی تفقد آنجناب
 بود موجب تشکر گردید، از
 گرفتاری تجار محترمی که
 مرقوم داشته بودید، متأثر شدم
 و از خدای متعال رفع گرفتاری
 آنان و اصلاح امور عموم
 مسلمانان جهان را مستلث
 دارم. و جنابعالی کوشش
 نمایید در این موقعیت از
 اختلاف کلمه آقایان محترم
 که مرقوم فرموده

بودید، به هر نحو صلاح می دانید جلوگیری فرمایید که وسیله ای برای پیشرفت مقاصد
 شوم دشمنان اسلام خدای نخواستہ فراهم نشود و انشاء الله با اتحاد کلمه، مشکلات
 موجود را برطرف نماییم. دوام توفیقات آنجناب را در خدمت به دیانت مقدسه خواستار و
 ملتسم دعا هستم، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

به تاریخ ۲۸ ربیع المولود ۸۴
 ممکن است در آنجا صاحبان اغراض نسبت هایی به حقیر له یا علیه بدهند، بنده در این
 میدان ها داخل نیستم.

روح الله الموسوی الخمينی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب مروج الاحکام و ثقة الاسلام آقای آقا سید هادی خسروشاهی دامت افاضاته

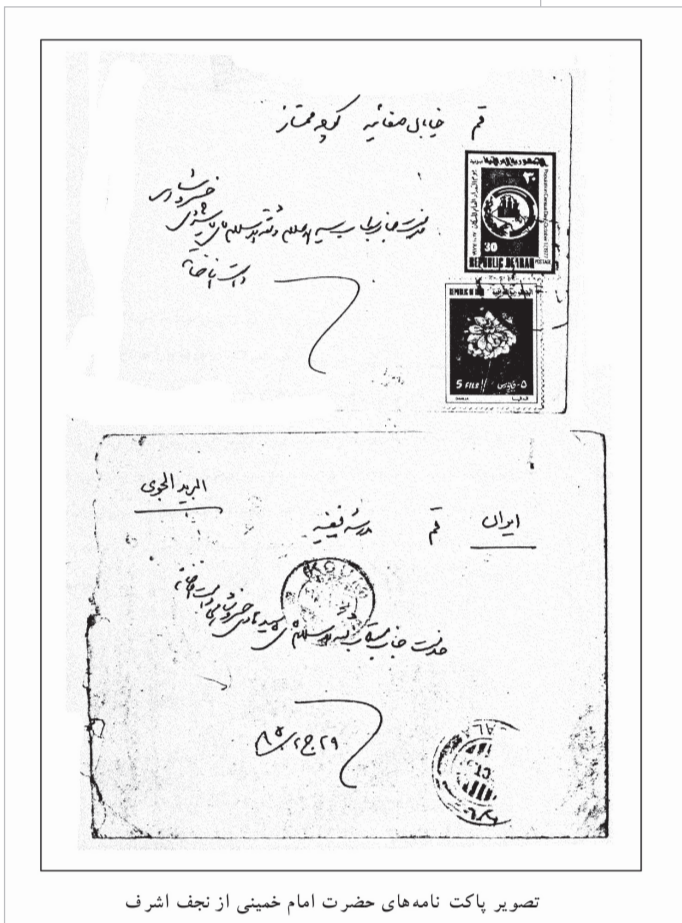
رسیده
 خدمت جناب سید روح الله خمینی مدظله العالی
 تبریز ۱۳۵۷
 روز دوشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۵۷
 بفرمایید که در این روز در تبریز
 مردمی جمع شدند خدمت حضرت امام
 و عرض کردند که ما را در این روز
 به حق مسلم و نبی و روزی که در آن
 همه کس را طاعت است از همه کس
 علیه و آله و سلم و در آن روز
 صلوات بر او و آله و صحبه اجمعین

به عرض می‌رساند مرقومه مبارکه واصل گردید. از اظهار تفقد آنجناب متشکرم. راجع به موضوعاتی که مرقوم داشته بودید، مورد توجه اینجانب نیز می‌باشند و امید است انشاءالله امور تدریجاً اصلاح شود. خدمت حضرات علماء اعلام و حجج اسلام حضرت حجة الاسلام آقای اخوی، آقای اشراقی، آقای سراسی و سایرین از آقایان محترم دامت برکاتهم ابلاغ سلام نمایم. موفقیت آنجناب و سایر مروجین شریعت مقدسه را در اعلاء کلمه طیبه اسلام از خدای متعال خواستار و ملتزم دعا هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۹ صفر المظفر ۸۴

روح الله الموسوی الخمينی



تصویر پاکت نامه‌های حضرت امام خمینی از نجف اشرف

